



®

SPAWN



®

image

2
JUN

DIGITAL
EDITION



McFARIANE
92
STEADY

دورنامه
dorrname.ir

کارای از: کیوان دهنود

...بعد بهش
می گم که اگه...
واقعا واقعا خیلی
درست از م خواهش کنه
فقط یکی از پاهاشو
ازش می گیرم.

ولعی!

اگه
بخواد
بجنگه...

...اونوقته
که کلا تمام اعضای
داخلی بدنشو می کشم
بیرون، از ریه هاش فیله
درست می کنم، از قلبش
میلک شیک درست می کنم
و از چشمه اش... بگذریم...
چون...

...به من می گن...

والیو لیست!

میوو...

تأثیر گذار بود.
می دونم.



ولی وقتی وحشت رو به دل دیگران می‌اندازی یه کم وراجی تأثیر خیلی زیادی ایجاد می‌کنه.

ضمناً به نظر می‌رسه تو کمیک‌ها خیلی مؤثر باشه.

بالاخره همه چیز به اون جنگ تمام عیار آخر منتهی می‌شه.

ولی!

درست وقتی می‌خوام نخاعشو از دماغش بکشم بیرون...

...دست ننگه می‌دارم!

...به شصت و پنج روش مختلف بهش می‌گم که می‌تونستم بکشمش... ولی اجازه این کارو نداشتم!...



بعد اون شروع می‌کنه به التماس کردن و من ترف می‌کنم تو صورتش و بعد اون گریه می‌کنه. اینجاست که بالگد دندونهاشو خورد می‌کنم!

بعد وقتی اون فکر می‌کنه که اوضاع بدتر از اون نمی‌شه، به یه مکعب انقدری تبدیلش می‌کنم و مثل یه قرص می‌خورمش!



بهت بگم پیشی کوچولو الان خیلی داره بهم خوش می‌گذره.

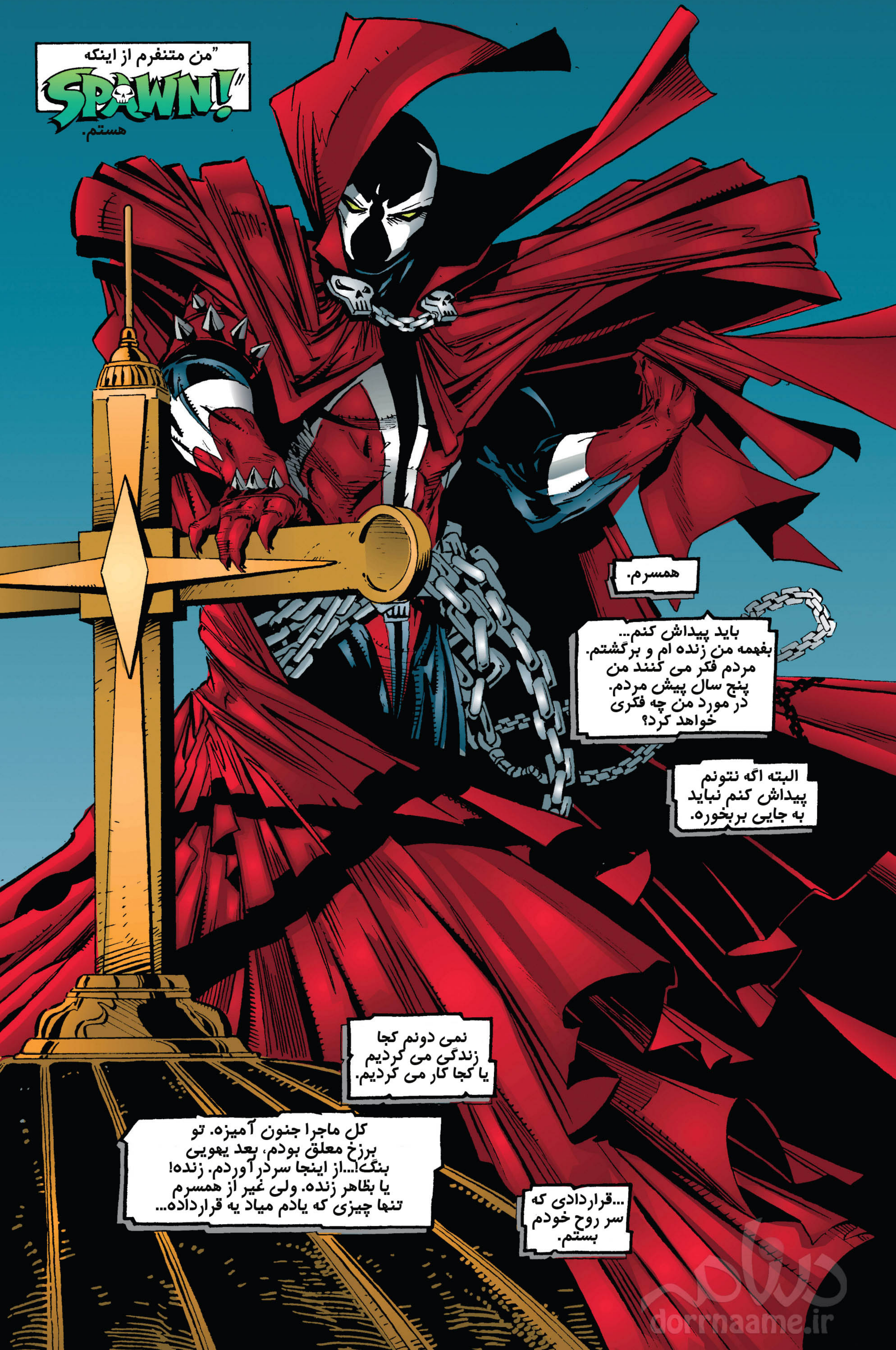
رئیس کلی تحت تأثیر قرار می‌گیره.

منم که خیلی بهم خوش می‌گذره!



خیلی با خودم حال می‌کنم!!

اصلاً دوست ندارم امشب به اون تبدیل بشم!



همسرم.

باید پیداش کنم...
بفهمه من زنده ام و برگشتم.
مردم فکر می کنند من
پنج سال پیش مردم.
در مورد من چه فکری
خواهد کرد؟

البته اگه نتونم
پیداش کنم نباید
به جایی بربخوره.

نمی دونم کجا
زندگی می کردیم
یا کجا کار می کردیم.

کل ماجرا جنون آمیزه. تو
برزخ معلق بودم، بعد یهوایی
بنگ!... از اینجا سردر آوردم. زنده!
یا بظاهر زنده. ولی غیر از همسرم
تنها چیزی که یادم میاد به قرار داده...

...قراردادی که
سر روح خودم
بستم.

نمی دونم چطور شد. فقط
دلیلش یادمه. می دونم بخاطر
همسرم بود.

خدایا، ایکاش اسمش
به یادم میومد.

دو روزه سعی می کنم چیزی یادم
بیاد. نه اسمی. نه پولی. نه خونه ای.

پس پنهان می شم...

...امیدوارم همه اش
یه کابوس بوده
باشه. ولی
نیست.

این پیمان هر چی هست
منو به فنا داده!

اون داره با حافظه من
بازی می کنه و تکه هایی
از خاطرات رو به انتخاب
خودش دستکاری می کنه.
تنها یه بازی بیمار گونه است
برای اون. و من مستقیم
افتادم تو تله اش.

اون به من قدرت داد.
زندگی. ولی به بهای روحم
تموم شد. به بهای هویت ام.
اون عوضی حتی چهره منو
هم ازم دزدید.

حتی فکر
نمی کنم دیگه
آدم باشم.

چرا باید
زنم منو
بپذیر؟

ولی چند شب
پیش این تیپ
جدیددر مورد
اون متجاوزها
جواب داد.

این پوشش از پوست
واقعی خودم راحت تره. البته
همین بخشی که ازش باقی
مونده.

الان دیگه
نمی توئم
نگران این
موضوع باشم.
بهش نیاز دارم!
همین مهمه.

اون تنها
دارایی منه.

گذاشتم غریزه من
منو تو اون مسئله
بکشونه. نمی دونم اون
خانم الان حالش
خوبه یا نه؟ ولی تا
حد مرگ ترسوندمش.

خاطرات مثل یه قطار باری
مدام به سمت من میان و
به من برخورد می کنند. این
می تونه مایه دردسر باشه.

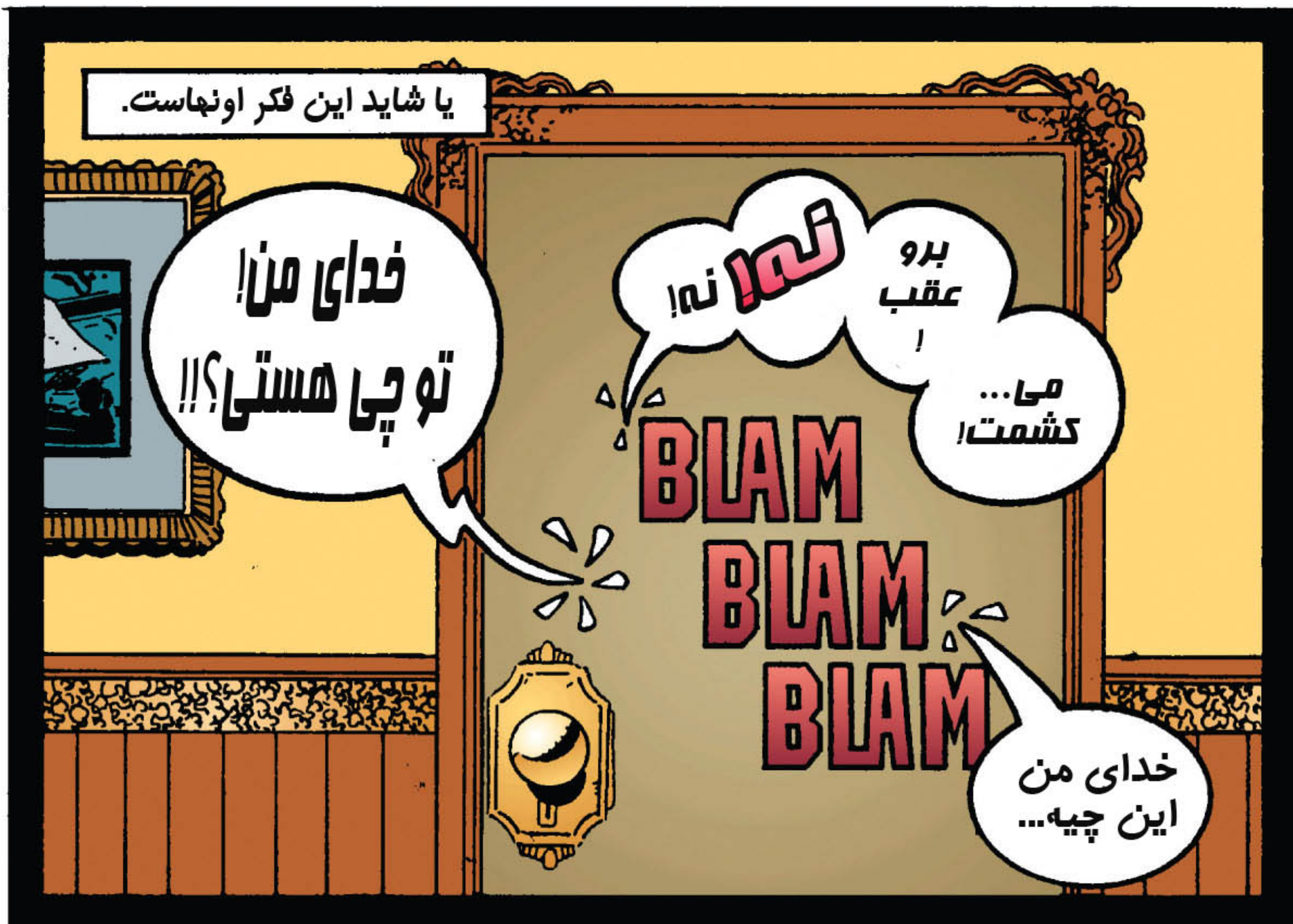
اگه این اتفاق
وقتی بیفته که
من...
آه؟

اون مرده چیکار
داره می کنه؟ دست
تکون می ده؟ آدم
عجیبیه. چیکار باید کرد؟

شاید این
کلیسا یه
کلید باشه.
این دومین
باریه که به این
محل کشیده
شدم.

تو سایه ها غیبش
زد. عجیبه.

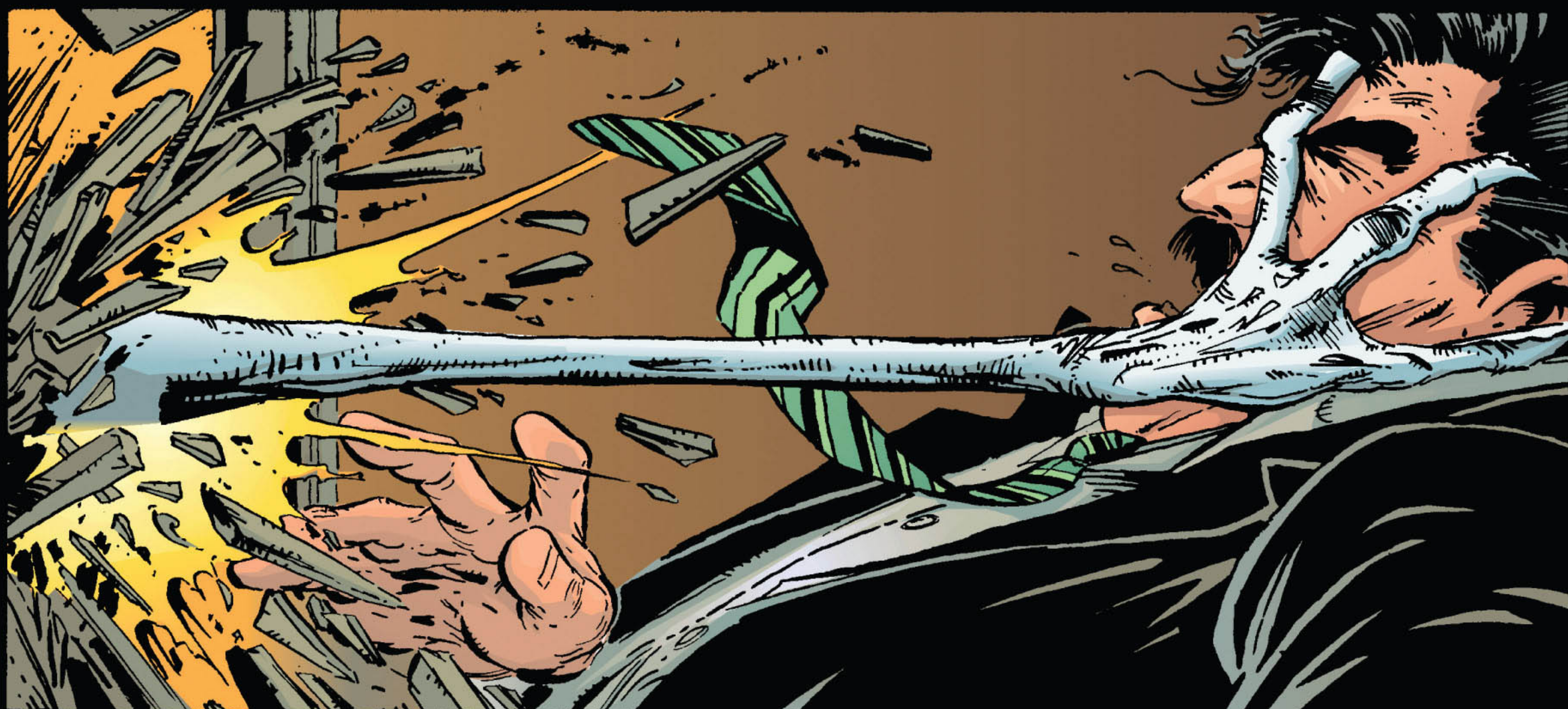
کمی بعد، در
ساختمان داون
کورپ...



موقع رکود
ساخته شد و وقتی
می خواستند به
تکنولوژی روز مجهز
کنند با کسری
بودجه مواجه شدند...
مخصوصاً سیستم
امنیتیش. می گفتند
"غیر قابل نفوذ".

الان تبهکاران
سازمان یافته احساس
امنیت می کنند.





رئیس تشریف
نداره.



ولی گفت
می خواد...

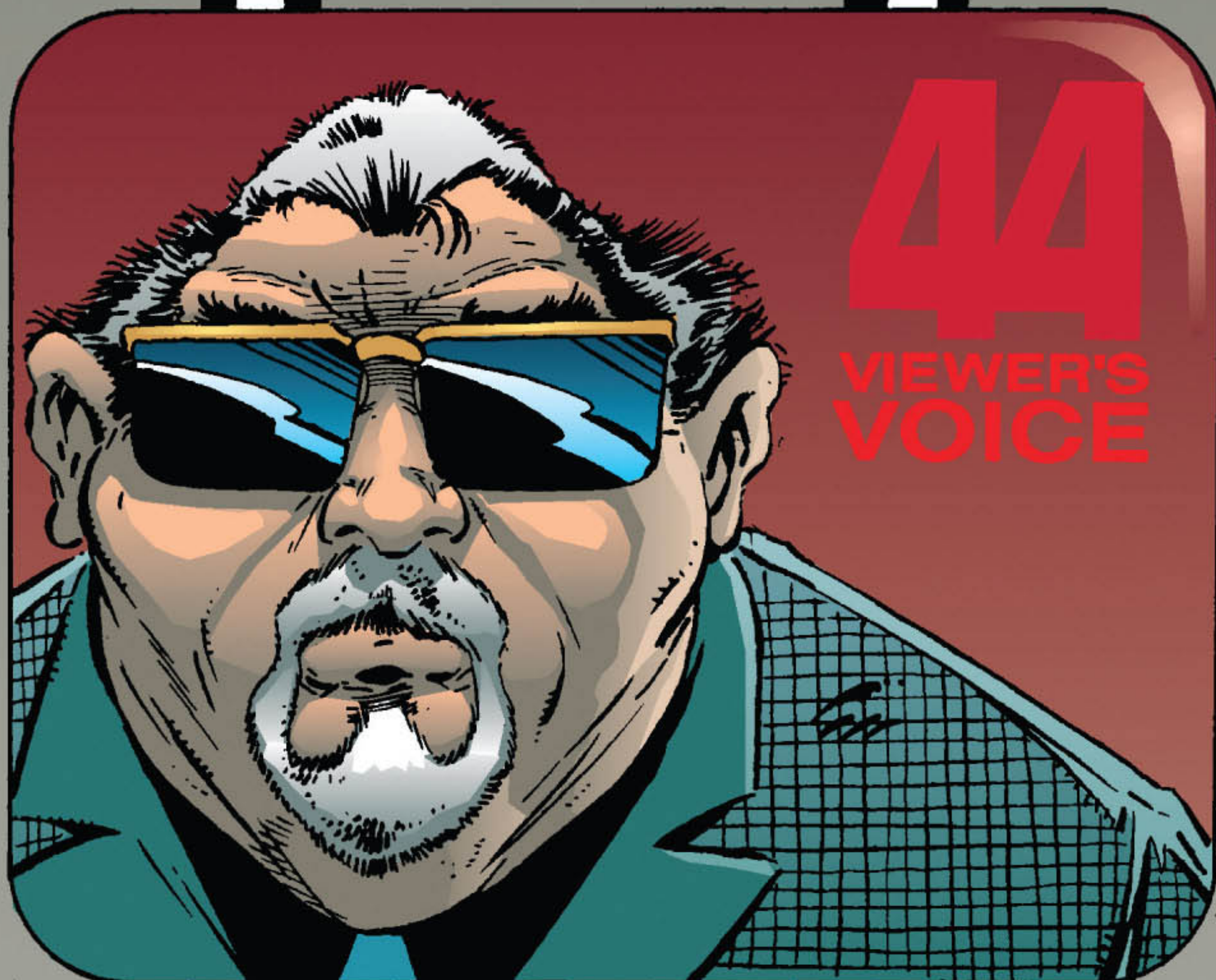
UMMPH!



...امشب
بیش ملحق
بشی.

شب
خوش
پسرا.



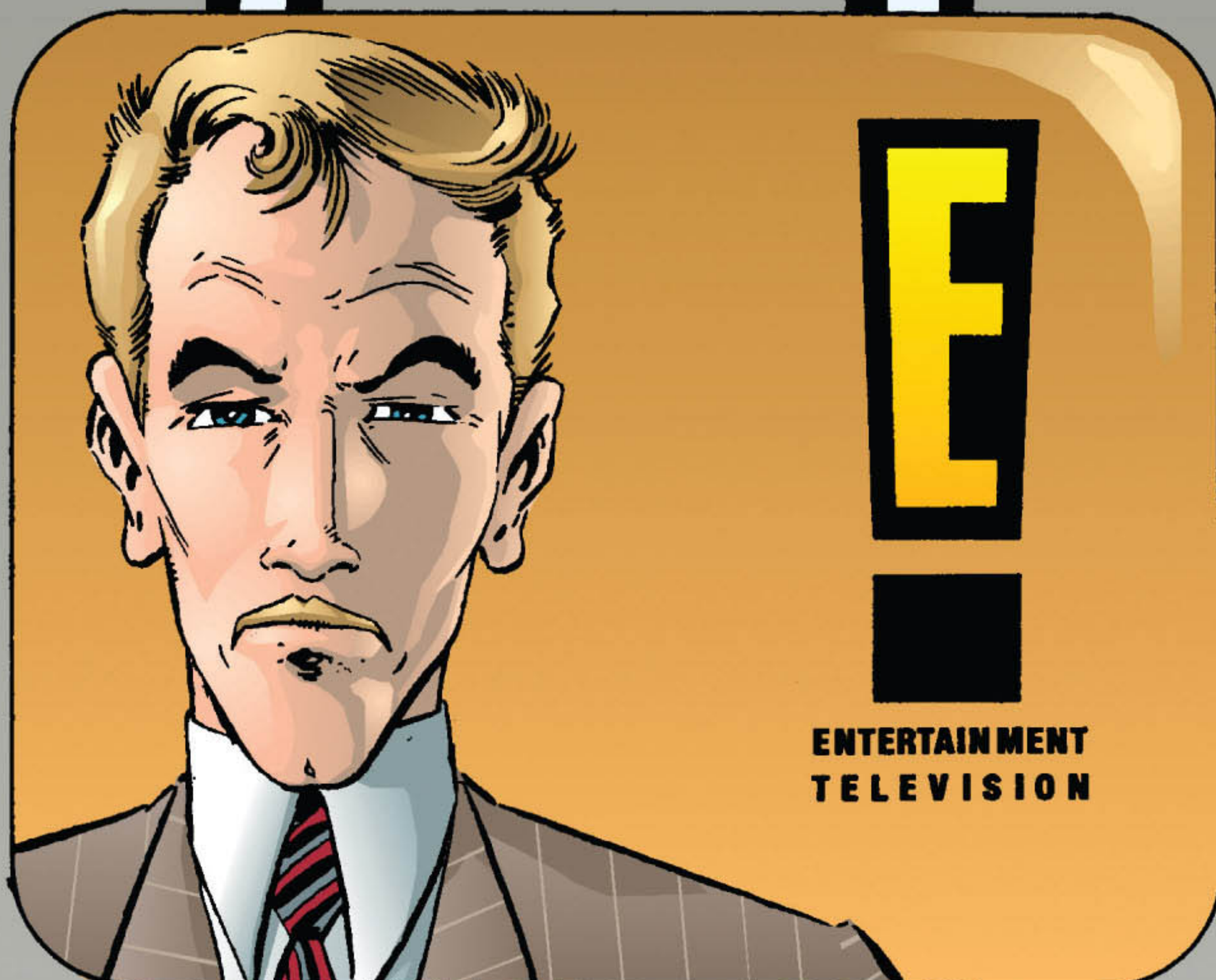


خوب، خوب، خوب، خوب قلبم به درد او مد که می خوام چند تا قتل مافیایی دیگه رو خبر بدم. به نظر می رسه سوژمون "جراح قلب" دوباره کار خودشو شروع کرده. اگرچه پلیس هنوز ارتباط این قتل با موارد دیگه رو تایید نکرده ولی فقط اونهایی که دچار مرگ مغزی باشند ارتباط این قتل ها رو نمی بینند. بنا به گزارش پلیس نیروهای تجسس پلیس برای تحقیق در مورد این پرونده بیشتر شدند. سؤال من از رئیس پلیس:

چرا؟! آخرین باری که من چک کردم، هر شش تاشون مشغول استراحت بودند؟

اصلاً هدف این تحقیقات چیه؟ فقط منم که این سؤال ها رو می پرسه؟

نظر بهتری دارم... بذارید گور بیشتری بکنه.



همونطور که قبلاً هم گفته بودم، شایعه ها بخش زشت نمایش های تلویزیونی هستند.

گروه "یانگ بلاذز" لباس هاشونو عوض می کنند تا ظاهری یکپارچه داشته باشند؟ بیخیال، این رنگ های متنوع و گروه ها بودند که اونها رو بالا کشیدند. الان چرا باید بخوان خودشونو تو چشم طرفدار هاشون از محبوبیت ساقط کنند؟

جاذبه های جنسی همیشه یک دستاویز بزرگ برای بازاریابی نابغه های جوان بوده و هست. فروش "تجارت خون" از مرز ۲.۲ میلیارد دلار گذشت. روزی رو می بینم که اون لاک پشت های پیتزاخور رو پایین بکشند.



...بنا به گزارش منابع آگاه، پس از قتل های امشب، تعدادی از رجال قدرتمند نیویورک از پلیس درخواست محافظت شخصی کرده اند. گفته می شود اکثر این افراد ارتباط هایی با گروه های تبهکاری دارند. در خبر مثبتی دیگر آمده که واندا بلیک بیوه سرهنگ ال سیمونز در گشایش کلینیکی دیگر مشارکت کرده است. پولی که از مراسم تدفین ال به مراکز خیریه داده شده بود، در تکمیل این پروژه صرف شده است. این سومین پروژه است که خانم بلیک در آن مشارکت داشته است.

امیدوارم این قدرت های جدید به من کمک کنند که همسرم رو پیدا کنم.



اصلاً چرا باید این قدرت ها رو بخوام؟ تنها درخواست من دیدن همسرم بود کمی معاشرت..

هاه! چقدر مضحک! چرا اون باید بخواد حتی با من حرف بزنه. منی که شبیه یه جسد در حال فسادم؟

به من نگید که من زنده ام. مردی دیگه حس ندارم.



وقتی مرده بودم حس بهتری داشتم.



لعنت به اون.



خنده داره...

...انگار حتی برای این کار مجبورش کردم.

خوب، اول باید ببینم این نیروهای کوفتی برام چیکار می تونند بکنند. آیا می تونند باعث بشند که من دوباره حس په آم کامل رو داشته باشم.



9:9:9:5



پسرا چه شوکی!

ولی حس خوبی داره. قوی. ولی می ترسم نگاه کنم، ولی....

خفا!!

من
اووه
خدای

خفا

اثر کن!!
**زود
باش!**

نه
دوباره.
امکان
نداره.
من مرد
سیاه
هستم





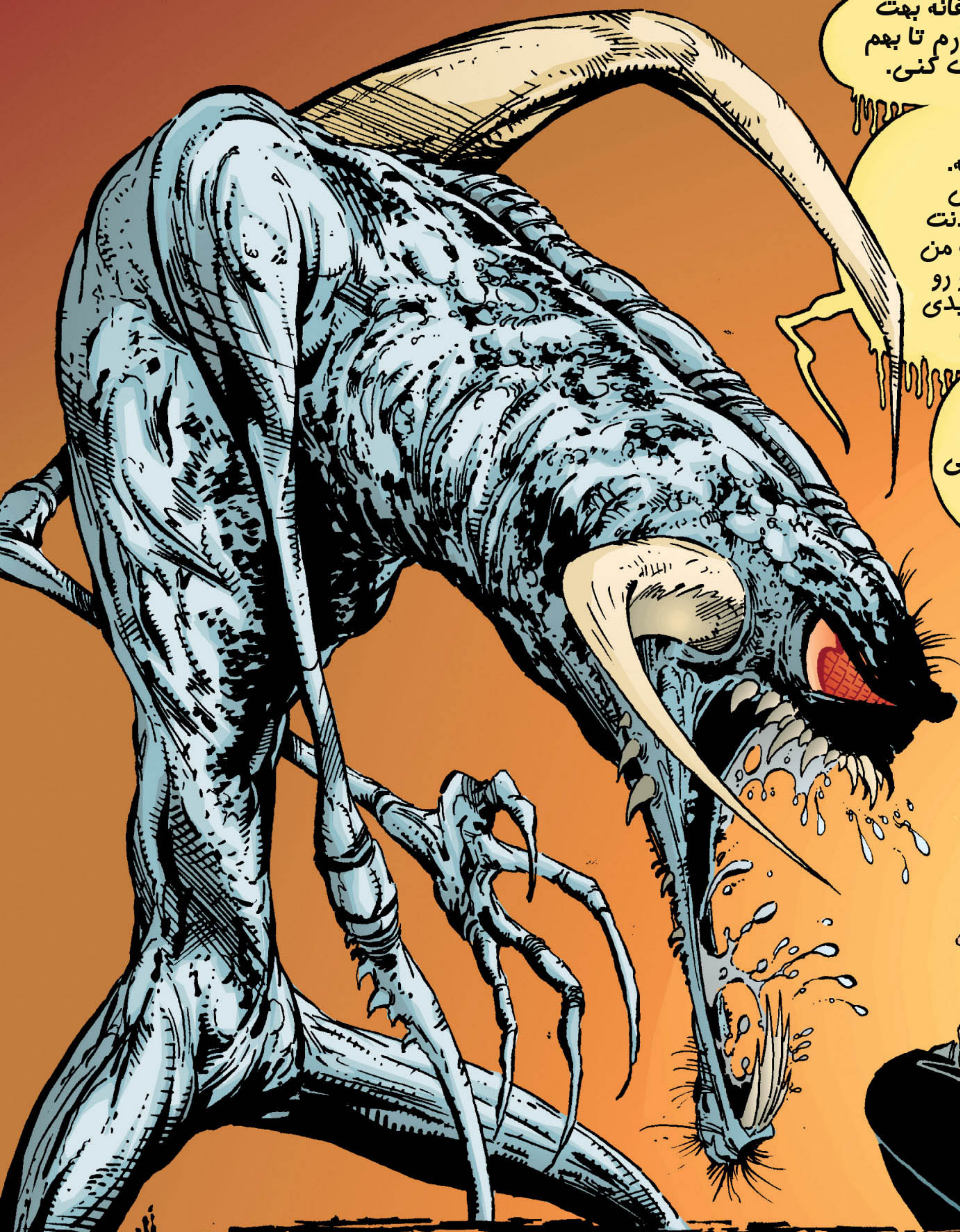
تو آدم بدی هستی و من تحسینت می کنم. آروم باش جینو.

متأسفانه بهت نیاز دارم تا بهم کمک کنی.

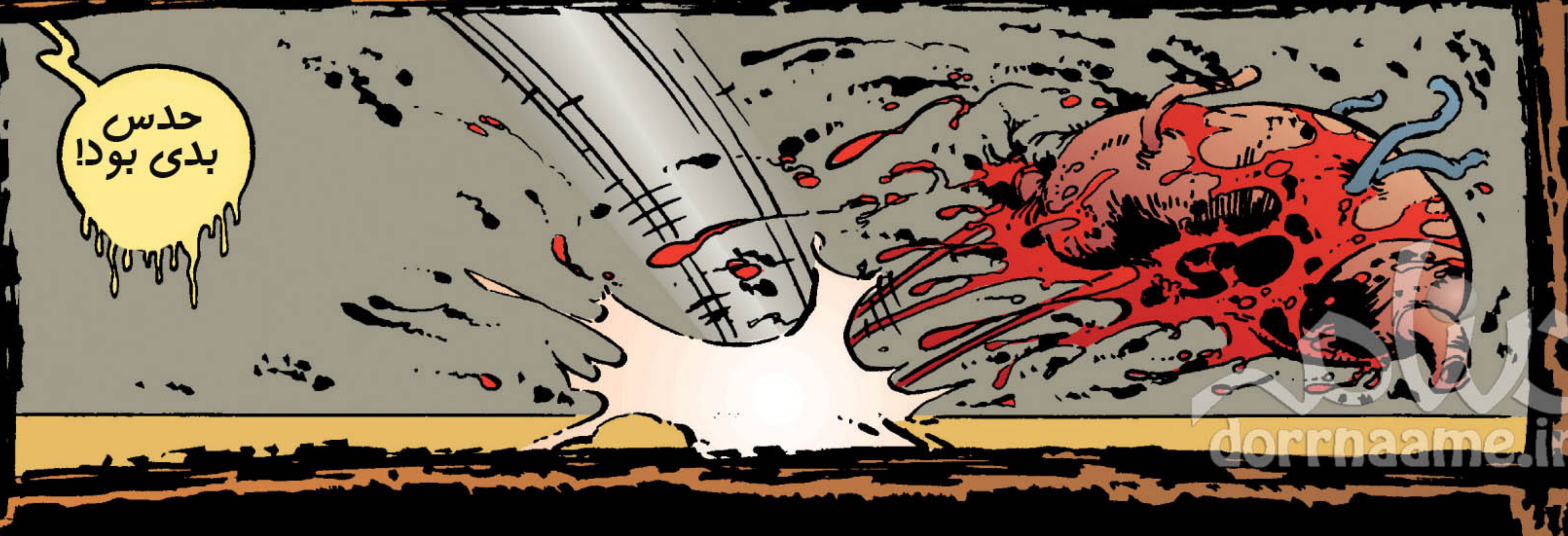
قرارداد ما اینطوریه. تو یه بخش کوچکی از بدنت رو می دی به من و من روح تو رو دچار عذاب ابدی می کنم.

پس... حدس بزن **بعدش** چی می شه؟

یا مسیح!
یا مسیح!
یا مسیح!
یا مسیح!
یا مسیح!



حدس بدی بود!



خدایا.

یعنی
دارم
دیوونه
می شوم
!؟

اینها چرا اینجا

چیکار کردم که
باید به این روز
بیفتم؟! فقط
می خواستم زخم
رو ببینم! الان اون
اصلا منو نمی شناسه!
اگه این یه جد
جنگ باشه...

...بیا و منو
بگیر!

ناگهان
مغزت منفجر
می شه
انگار...

بین
می تونی
دوباره
منو بگشی!

من اینچور
نمی مونم.
نه سفید.

یکی شوخی
بذی رو باهام
شروع کرده. دازه
با ذهنم بازی
می کنه.

فقط می خوام
خودم باشم. ولی
این نیروها کاری
نمی کنند.

نمی تونند
منو کامل
کنند.

چرا؟

یه فلش بک دیگه.
یه کلید دیگه.

چیسون وین.
رئیس تو بود...
کسی که رئیس جمهور
گفت مراقبت خواهد
بود. استادت...

اون بهت یاد داد.
که چطور مبارزه کنی.
چطور بکشی. چطور
اطاعت کنی.

مدت ها مثل برادر بودید.
ولی حتی نزدیک ترین
کسان هم گاهی سرشاخ
می شن.

دعواها بیشتر شدند.
شدیدتر. توبارها متوجه
توطئه شده بودی

از آزادی ها سو استفاده
می شد. قانون ها شکسته
می شدند. همگی بنام
دموکراسی و آزادی. ولی بهای
پرداختی کزاف بود. مردم
بیگناه...

آمریکا به یه قلدر تبدیل شده بود. و
ذهن درگیر تو مشغول یه چیز بود
که تو رو عصبانی تر می کرد:

...انتخاب از شون
دزدیده شده بود.

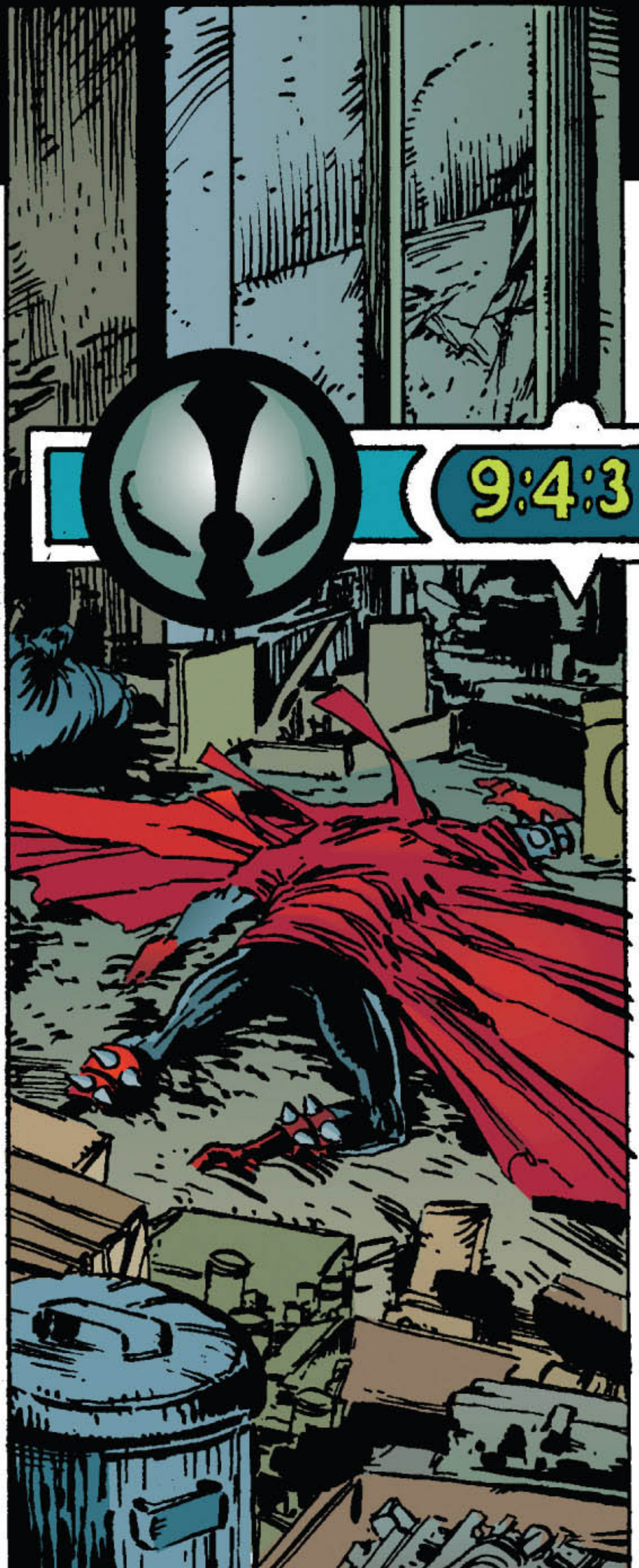
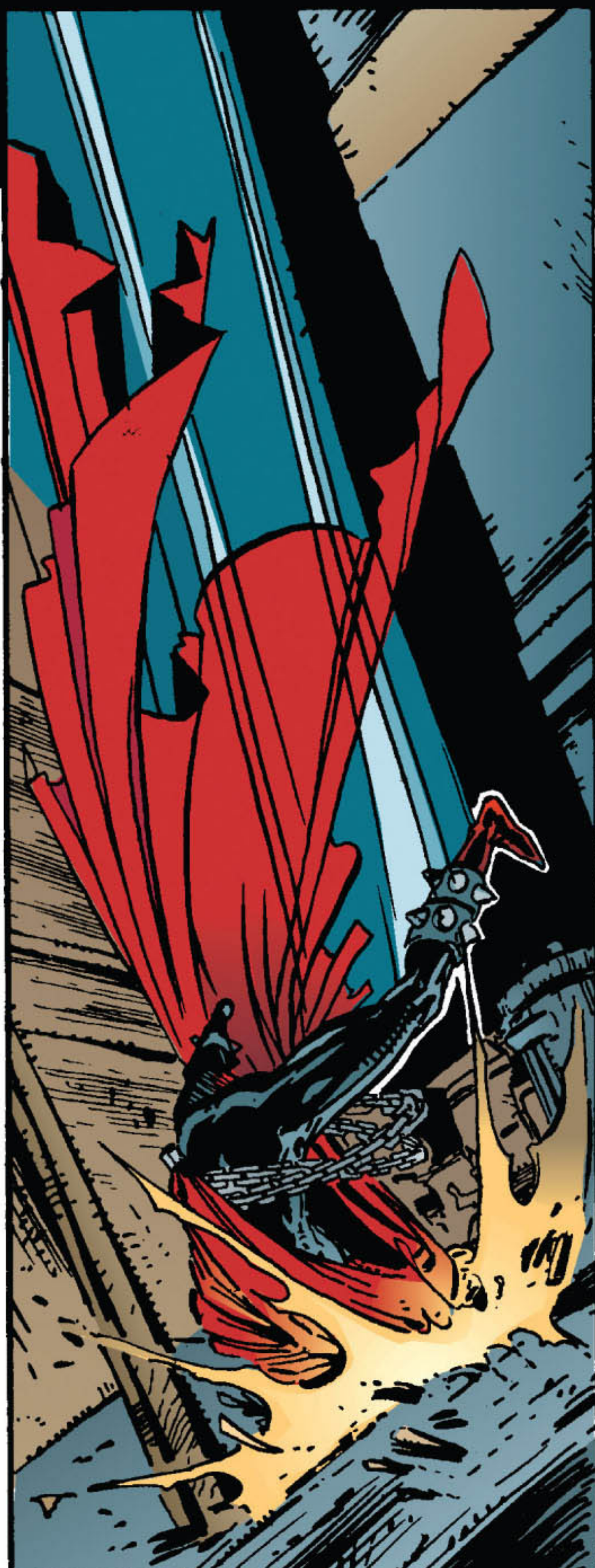
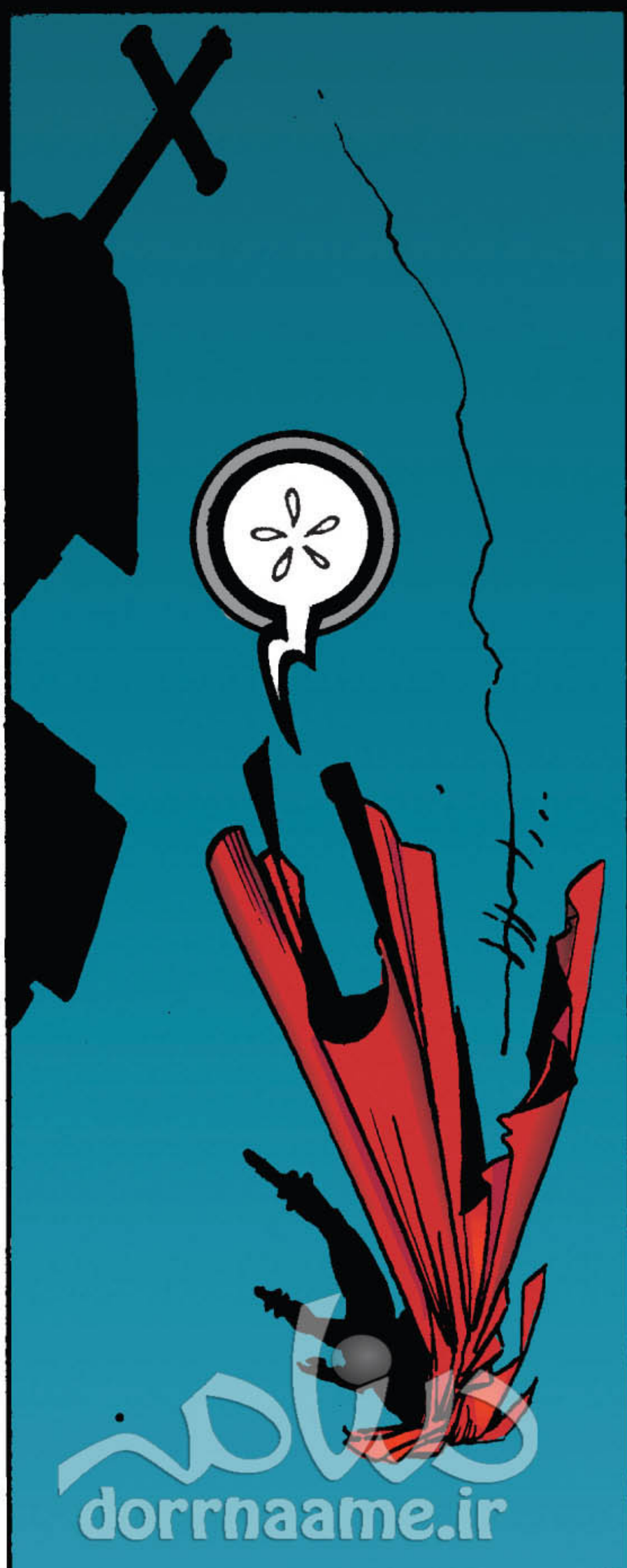
...که مسائل بر اش
مهم نبودند.



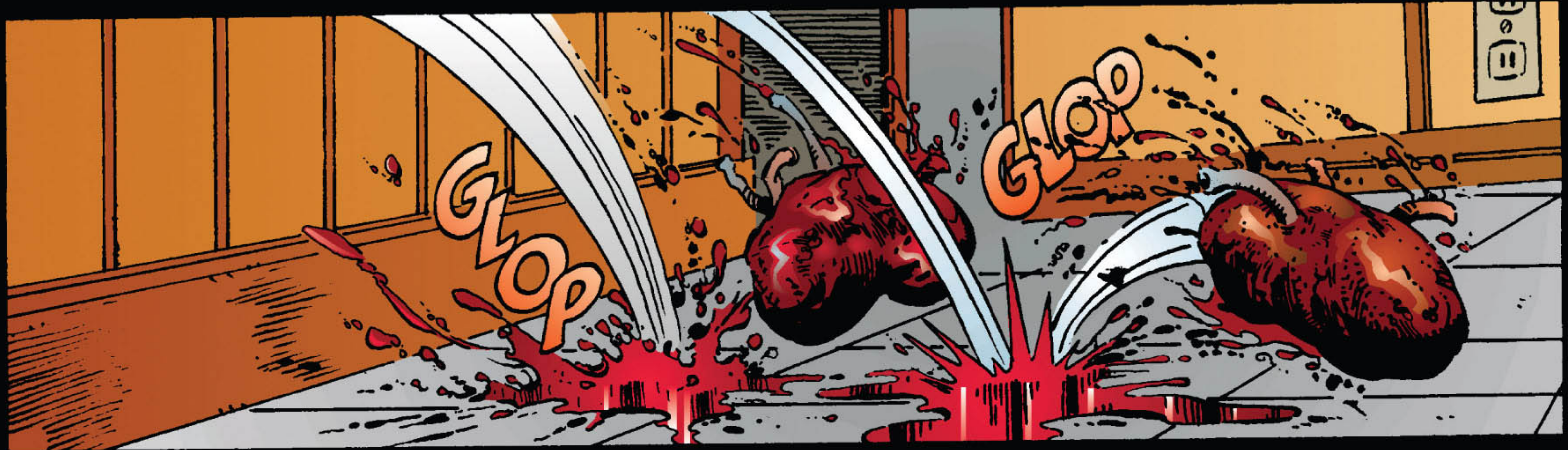
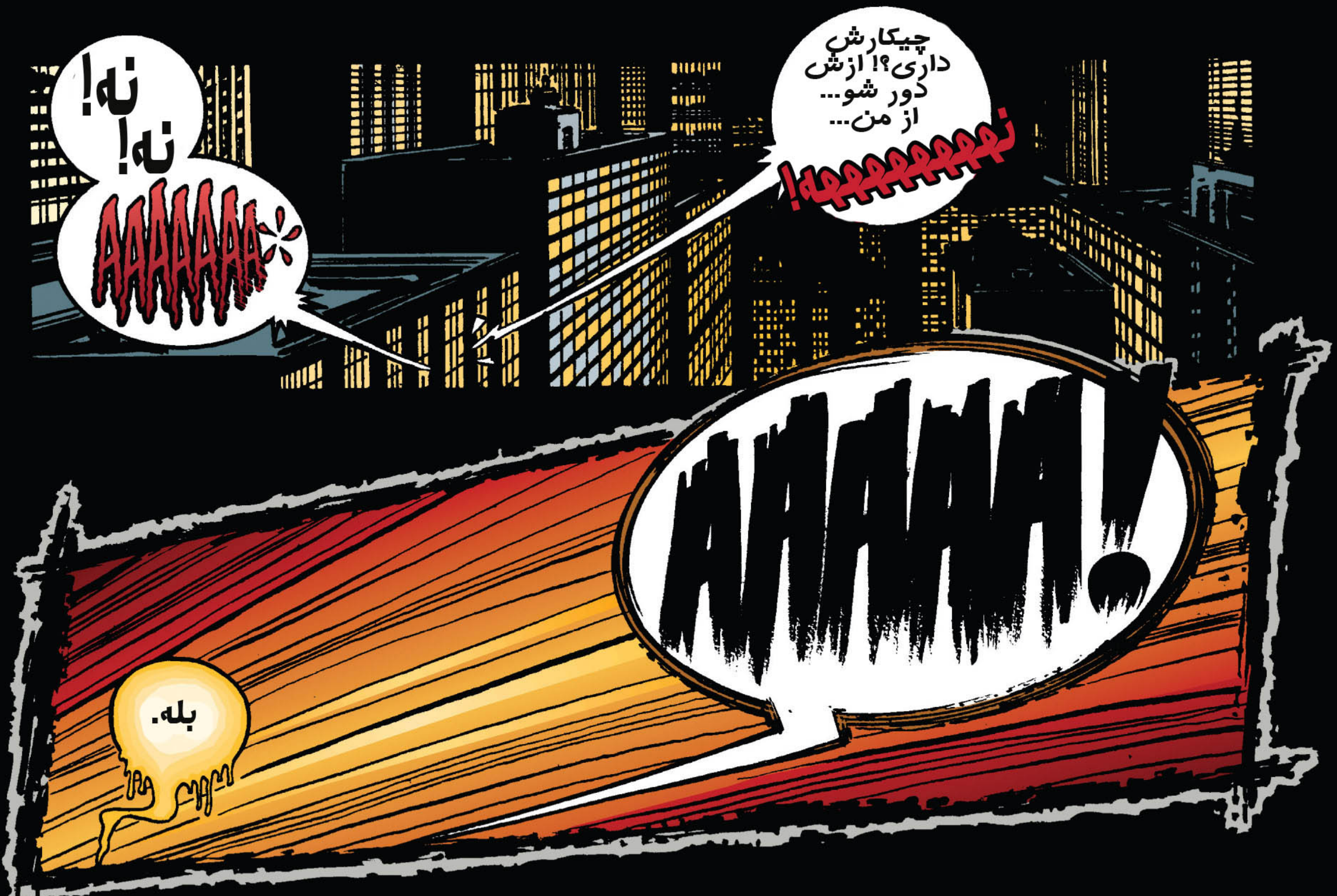
جیسون واقعاً
پلید شده بود.

بدتر اینکه، به نظر می رسید تو درد و رنج
داره دست و پا می زنه و برای دیگران
هم این حالت رو ایجاد می کرد. اینو
می شد تو چشمه‌هاش بخونی.

کین و ابل با شما
دو تا کاری نداشتند.



9:4:3:2





می فهمم.
از کجا منو
می شناسی؟

نکنه...

می دونی
همسر من
کجاست!؟

هرگز این
لعبت
رو ندیدم!

یه کم هم
کمتر از این
کلمه استفاده
کن. گوشمو
اذیت می کنه.

چون هویت
سری ام از بین
رفته. بذار بگم برای
چی اینجام.

چه باور کنی
چه نکنی، با یه دست
می تونم شکستت بدم. یا
می تونم ناخن پاتو از پاهات
جدا کنم و زردپی پشت ساق
پاتو سفت کنم.

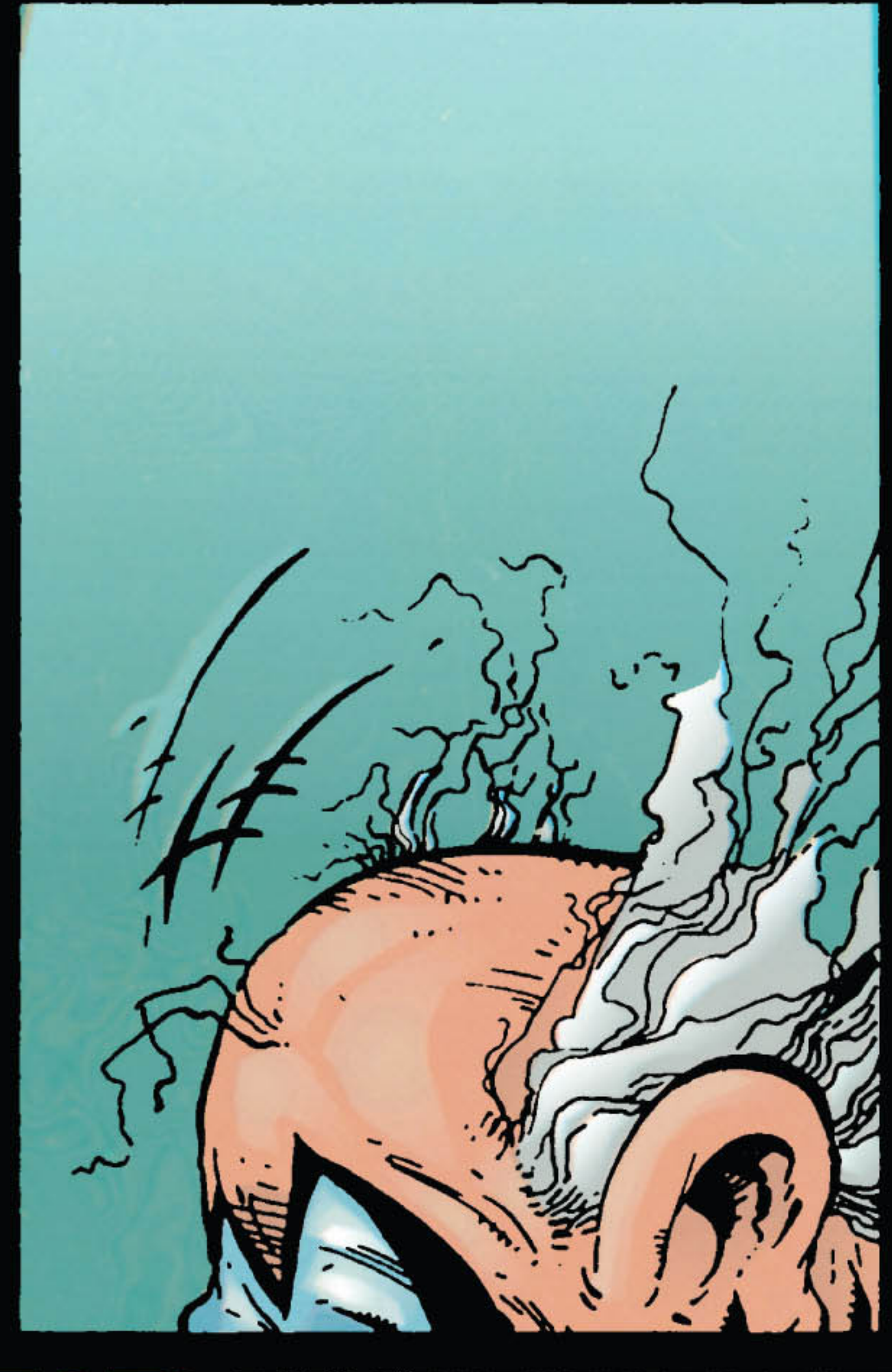
یه چیز دیگه
خفن خان. می تونم نخاعتو
از پشتت بکشم بیرون و به جای
شلاق ازش استفاده کنم. می تونم
از استخوان هات به جای هیزم استفاده
کنم! می تونم سرت رو از جاش بکنم
و باهات بسکتبال یازس کنم! می تونم
تو رو تکه تکه کنم و اونها رو به
پنجاه شهر مختلف بفرستم.

هنوز
نترسیدی؟



یه لحظه منو می بخشی؟

آم.



- و یه چیز دیگه! اگه نو یه حالت خیلی بد باشم، فقط می گم...

اوه.
اوه.



هییی
هییی

کجا بودم...



آرها

...می توئم از روده هات زله درست کنم و بدون اینکه بالا بیارم سر بکشم!

می توئم...



آووووو!

صبر کن بیینم...

ببین رفیق، من وقت این چیزها رو ندارم. حوصلتون دارم.

جرات داشته باشا



قسمت بعدی

SPAWN vs.

علیه

وایولیتزر واقعی!

SPAWN

image

2
JUN

DIGITAL
EDITION

McFARIANE
92

دورنامه
dorrname.ir
مربع قیمت های فارسی